ایستگاه

راننده بی‌احتیاط درخواست کمک کرد

رامین پس از اینکه کرایه خانه را پرداخت کرد دست به جیب برد، اما به جز چند اسکناس هزار تومانی پول دیگری برایش نمانده بود. ۱۵ تیرماه بود و تازه توانسته بود که کرایه‌ماه قبل را به صاحبخانه پرداخت کند. خودش می‌دانست تا چشم باز کند باید فکری به حال کرایه ماه بعد بکند. ساعت از ۱۱ شب گذشته بود که پشت فرمان پیکان قدیمی نشست و به سمت خیابان اصلی حرکت کرد، اما از مسافر خبری نبود. وقتی به خیابانی فرعی پیچید صدای مردی را شنید که گفت دربست. با شنیدن صدا، پایش روی ترمز رفت و خودرو توقف کرد. چشم گرداند و در تاریکی شب مردی میانسال را دید. بعد از توافق بر سر کرایه، شروع به حرکت کرد. خوشحال از اینکه در این وقت شب توانسته بود مسافری دربست سوار کند به راهش ادامه داد، اما پت‌پت کردن پیکان به یادش آورد که گاز خودرو در حال ته کشیدن است. رو به مسافر کرد. مرد میانسال درخواست رامین را در نگاهش خواند و گفت: «گاز تمام کردها؟ اشکال نداره. سر راه می‌توانی گاز هم بزنی...»

سفره دل رامین پیش مسافرش ناگهان باز شد: «مستأجرم. با یک زن و عائله. صاحبخانه هم که دنبال کرایه خانه‌اش است. حق هم دارد بنده خدا. او هم روی کرایه حساب باز کرده، اما من توانم کم است. با این پیکان قراضه مسافرکشی می‌کنم. هزینه‌بنزینش بالا بود. چند روز قبل گاز سوزش کردم آن هم دستی.»

رامین سرخوش از مهربانی مسافری که به تورش خورده بود، بعد از عبور از خیابان مهارت، مقابل مغازه‌ای که از کپسول‌های گاز پر شده بود پایش را روی ترمز گذاشت. رو به مسافرش با سر ادای احترامی کرد و از پشت فرمان خارج شد. رامین در اضطراب تعهدش به مسافری که روی صندلی جلو منتظرش بود شروع به تزریق گاز به کپسول پیکان کرد که ناگهان صدای انفجار فضا را پر کرد. چشم که باز کرد خودش را روی تخت بیمارستان دید. درد امانش را بریده بود. میان درد و ناله از پرستاری که کنار تخت ایستاده بود سراغ مسافر را گرفت. پرستار با اندوه سری تکان داد و گفت وضعش وخیم است.

چند روز بعد از حادثه، مرد مسافر به علت شدت جراحت ناشی از سوختگی جانش را از دست داد. او قبل از فوت از رامین اعلام شکایت کرده بود. با طرح شکایت رامین به اتهام قتل غیر عمد بازداشت و به زندان منتقل شد. بعد از کامل شدن تحقیقات پرونده در دادگاه ارومیه بررسی و رامین به پرداخت ۴۰ درصد دیه معادل ۸۴ میلیون تومان محکوم شد. با کمک تیم صلح و سازش اولیای‌دم با تخفیف ۳۳ میلیون تومان از میزان بدهی رامین موافقت کردند، اما او در حال حاضر به علت ناتوانی از پرداخت ۵۱ میلیون تومان دیه در زندان به سر می‌برد.

ستاد امور دیه رسیدگی به زندانیان نیازمند اعلام کرد براساس تحقیقات این ستاد: رامین، متأهل، مستأجر و فاقد هرگونه اموال منقول و غیرمنقول است. نیکوکارانی که تمایل دارند یاری‌گر این مددجوی نیازمند باشند، می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حساب‌های ستاد دیه کشور به‌قرار ۷۴/۷۴ بانک ملت شعبه مستقل مرکزی، ۷۷۷۷ بانک تجارت شعبه مرکزی، ۸۸۸۸ بانک صادرات شعبه مرکزی یا ۵۵۵۵۵ بانک ملی واریز کرده و برای اختصاص مبلغ پرداختی جهت آزادی این فرد یادشده فیش پرداختی را با تحریر موضوع کمک انجام‌شده به شماره ۸۸۹۱۶۰۱۱ دورنگار کنند. روابط عمومی ستاد دیه با تلفن تماس ۱۵ ـ ۸۸۹۱۶۰۱۲ پاسخگوی سؤالات شما در این زمینه خواهد بود.

۴ قلوهای چادگانی را با پدر کارگر فصلی‌شان دریابید

محمدسلطان، کارگر ساده فصلی و اهل شهرستان چادگان اصفهان است که در شب برفی ایران به یک‌باره صاحب چهار فرزند شده است. سه دختر و یک پسر. او به یک چشم اشک شوق دارد و به چشم دیگر اندوه. شوق پدر شدن و اندوه هزینه بیمارستان و نگهداری یک باره از چهار نوزاد که برای او و همسرش سر به آسمان می‌کشد. آنان که دستی در کار خیر دارند، امروز محمدسلطان و نوزادان تازه‌از راه رسیده‌اش را دریابند.

براساس این گزارش، همسر ۲۲ساله محمد سلطان در اولین زایمان خود صاحب سه دختر و یک پسر شد. محمدرضا شاه ناصر، مدیر بیمارستان عسکریه اصفهان گفت: مادر ۲۲ساله که اهل شهرستان چادگان است دو شب قبل در اولین زایمان خود و در ۳۲هفتگی صاحب سه دختر و یک پسر شده است. وی ادامه داد: مراقبت‌های قبل از زایمان این مادر در چادگان انجام شده و برای انجام عمل سزارین به بیمارستان عسکریه منتقل شده است. وی افزود: در حال حاضر حال عمومی نوزادان و مادر آنها خوب است.

در حال حاضر نوزادان در بخش ای.سی.یو کودکان نگهداری می‌شوند و وزن هر یک از این کودکان حدود یک کیلو و ۳۰۰ گرم است که برای رسیدن به وزن مطلوب بین یک تا دوماه در این بخش نگهداری می‌شوند.

شاه ناصر با بیان اینکه مادر این نوزادان سابقه خانوادگی در چندقلوزایی داشته در خصوص کمک‌های مالی بستری این نوزادان در بیمارستان عسکریه نیز گفت: سعی داریم حداکثر تخفیف در پرداخت هزینه‌ها را برای والدین این نوزادان در نظر بگیریم؛ چراکه تولد چهار فرزند برای این خانواده‌ها هزینه‌های زیادی را به دنبال دارد. دکتر نوشین جهرمی‌زاده، متخصص زنان و زایمان این بیمارستان هم گفت: مادر این بچه‌ها از هیچ دارویی استفاده نکرده و بارداری طبیعی داشته است.

محمد سلطان‌مرادی، پدر این چهار قلو کارگر ساده فصلی در چادگان است که با مشکلات بسیاری برای تأمین هزینه‌های نگهداری نوزادان مواجه شده است. وی خواستار حمایت مسئولان و خیران برای تأمین مخارج فرزندانش شد.

رهایی ۲ گروگان نوجوان ایرانی در ترکیه با کمک پلیس اینترپل

یکی از گروگان‌ها

مرد افغان که متهم است پس از فریب دو نوجوان ایرانی، آنها را به ترکیه منتقل کرده و به گروگان گرفته بود تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. دو پسر نوجوان با کمک پلیس اینترپل آزاد شدند.

به گزارش خبرنگار ما، روز جمعه دهم آذر ماه امسال مردی به اداره پلیس رفت و گفت: پسر ۱۲ ساله‌ام به طرز مرموزی ناپدید شده است. شاکی در توضیح ماجرا گفت: پسرم محمدامین کونگ فوکار بود و مدتی است در یک ساختمان در حال ساخت کارگری می‌کرد. از دیروز که برای کار از خانه بیرون رفته دیگر به خانه برنگشته است. وقتی به محل کارش رفتیم متوجه شدیم او به محل کارش نرفته است و فهمیدیم که او تمامی مدارک و پول‌هایش را از خانه برداشته و به مکان نامعلومی رفته است. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، مرد دیگری هم به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن ناگهانی پسر ۱۵ ساله‌اش به نام امیرحسین خبر داد. بررسی‌های مأموران نشان داد محمدامین و امیرحسین هر دو دوست بودند که در یک ساختمان در حال ساخت کار می‌کرده‌اند. در حالی که تحقیقات برای پیدا کردن دو پسر نوجوان ادامه داشت خانواده امیرحسین و محمدامین دوباره به اداره پلیس رفتند و اعلام کردند مرد ناشناسی محمدامین و امیرحسین را گروگان گرفته و برای آزادی آنها درخواست پول کرده است.

■ درخواست ۱۰۰ هزار دلاری برای آزادی دو پسر گم شده

یکی از شاکیان گفت: ساعتی قبل مرد ناشناسی به من تلفن زد و گفت پسرم را گروگان گرفته است و باید برای آزادی او ۵۰ هزار دلار به حسابی که اعلام خواهد کرد واریز کنم. مرد آدم‌ربا تهدید کرد اگر موضوع را به پلیس خبر بدهم یا برای او پول واریز نکنم پسرم را می‌کشد. من از پشت تلفن صدای پسرم را شنیدم که درخواست کمک کرد و از من خواست با مرد آدم‌ربا همکاری کنم. شاکی دیگر هم به مأموران گفت که مرد آدم‌ربا برای آزادی پسر او هم ۵۰ هزار دلار درخواست پول کرده است. با طرح این دو شکایت تیم زبده‌ای از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به دستور قاضی رضوانی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی به پرونده وارد عمل شدند. مأموران در نخستین گام متوجه شدند دو پسر گم شده در محل کار با مرد افغان سنگتراشی به نام احمد دوست بوده و پس از حادثه هم مرد افغانی به طرز مرموزی ناپدید شده است.

همچنین تحقیقات میدانی حکایت از این داشت احمد که در همان ساختمان کار می‌کرده از مدت‌ها قبل به دو پسر جوان وعده داده که آنها را برای کار به کشور ترکیه ببرد. بدین ترتیب احمد به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ شکایت جدید از آدم‌ربای افغانی

در حالی که هر روز احمد از مکان نامعلومی به خانواده‌های دو پسر جوان تماس می‌گرفت و برای اخاذی ۱۰۰ هزار دلاری، گروگان‌ها را تهدید به مرگ می‌کرد مأموران با دو شکایت تازه روبه‌رو شدند که بررسی‌ها حکایت از این داشت احمد دو پسر نوجوان دیگر را هم به بهانه انتقال به ترکیه از آنها اخاذی کرده و آنها را در دام قاچاقچیان انسان گرفتار کرده است.

یکی از شاکیان گفت: چند ماه قبل با مرد افغانی به نام احمد در تهران آشنا شدم. او گفت که افراد زیادی را به صورت قاچاق به ترکیه برده آنها را آنجا در شرکت خوبی مشغول به کار کرده است. او خیلی مرا تشویق کرد و گفت اگر به او پول بدهم به راحتی مرا از مرز خارج می‌کند. احمد آنقدر از شرایط خوب زندگی و کار در ترکیه تعریف کرد که مشتاق شدم هر چه زودتر به آنجا بروم. به همین سبب هر چقدر پس از انداز داشتم در اختیار احمد قرار دادم و او هم ابتدا مرا به شهر قزوین برد و بعد از آنجا آدرس مردی به نام شعبان را در شهر ارومیه به من داد و گفت او قرار است مرا از مرز خارج کند. وقتی در ارومیه به سراغ شعبان رفتم پسر دیگری به نام سعید هم از تهران برای رفتن به ترکیه به آنجا آمده بود که فهمیدم سعید را هم احمد به ارومیه فرستاده است. یک روز آنجا بودیم تا اینکه شعبان و همدستش برای خارج کردن ما از مرز درخواست پول کردند. به آنها گفتیم که در تهران به احمد پول داده‌ایم و تسویه حساب کرده‌ایم. اما آنها گفتند که احمد پولی به آنها نداده است. آنجا بود که فهمیدیم او مرا فریب داده و الان هم در دام دو مرد قاچاقچی گرفتار شده‌ایم. شعبان و همدستش مرا در خانه‌ای حبس کردند و با خانواده‌هایمان تماس گرفتند و برای آزادی ما درخواست پول کردند. چند روزی گروگان آنها بودیم تا اینکه خانواده‌هایمان برای آنها پول فرستادند و آنها هم ما را به صورت غیرقانونی از مرز خارج کردند. وی ادامه داد: من و سعید چند ماهی در آنکارا و استانبول سرگردان بودیم و کاری پیدا نکردیم تا اینکه تصمیم گرفتیم و به ایران برگشتیم و الان هم از مرد افغان شکایت داریم.

سعید هم در تحقیقات حرف‌های دوستش را تأیید کرد و گفت احمد او را در تهران فریب داده و به بهانه پیدا کردن کار در ترکیه همه پول او را گرفته و بعد هم او را در دام قاچاقچیان انسان گرفتار کرده است.

■ ردیابی محمدامین و امیرحسین در آنکارای ترکیه

پس از این کارآگاهان تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی احمد و پیدا کردن محمدامین و امیرحسین پیگیری کردند تا اینکه دریافتند مرد افغان از یکی از شهرهای ترکیه با خانواده‌های افراد ربوده شده تماس می‌گیرد. در ادامه کارآگاهان با کمک مأموران پلیس اینترپل فهمیدند مرد آدم‌ربا ابتدا دو پسر جوان را به شهر استانبول منتقل کرده و بعد از آنجا به آنکارا برده و در مکان نامعلومی حبس کرده‌است. در نهایت مأموران اینترپل با کمک مأموران پلیس ترکیه محل نگهداری دو پسر نوجوان را در شهر آنکارا پیدا کردند و آنها را نجات و تحویل مأموران ایرانی دادند، اما موفق به دستگیری مرد آدم‌ربا نشدند. در چنین شرایطی قاضی رضوانی دستور انتقال دو پسر ربوده شده را به ایران صادر کرد.

مأموران در تلاشند تا مرد آدم‌ربا را شناسایی و بازداشت کنند.

گروگان‌گیری خانوادگی اصفهان ختم به خیر شد

پسر شیشه‌ای که ظهر دیروز با تهدید مادر ۶۰ ساله‌اش به مرگ او را به گروگان گرفته بود با اقدام به موقع نیروهای پلیس نوپوی اصفهان بازداشت شد.

فرمانده یگان ویژه فرماندهی انتظامی استان اصفهان به خبرنگار ما گفت: پسر ۳۰ ساله که رسول نام دارد و ساکن محله مارچین است، ظهر سه‌شنبه پس از مصرف مواد مخدر شیشه، مادر ۶۰ ساله خود را گروگان گرفت و با استفاده از دو قبضه چاقوی سلاخی، او را تهدید به مرگ کرد.

سرهنگ حسین امجدیان ادامه داد: پدر خانواده با دیدن صحنه بلافاصله با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و پلیس را از ماجرا با خبر کرد. لحظاتی بعد از آن بود که یگان ویژه و پلیس نوپو و واحد رهایی گروگان در محل حاضر شدند. وی ادامه داد: در اولین بررسی‌های میدانی معلوم شد رسول از تنها فردی که حرف شنوی دارد، برادر بزرگترش است، بنابراین وی برای رهایی مادرش با راهنمایی پلیس وارد اتاقی شد که رسول مادرشان را به گروگان گرفته بود، اما پس از گذشت نیم ساعت برادر رسول بدون نتیجه از محل خارج شد. فرمانده یگان ویژه اصفهان افزود: برای بار دوم برادر رسول وارد اتاق شد تا به هر نحوی شده مادر را به بهانه استفاده از سرویس بهداشتی از اتاق خارج کند و خوشبختانه این بار موفق شد. از این رو بلافاصله پس از خارج شدن مادر، نیروهای نوپو وارد عمل شدند. سرهنگ امجدیان ادامه داد: رسول با دیدن مأموران به سمت دستشویی رفت تا مادر خود را گروگان بگیرد که با واکنش سریع نیروهای نوپو زمین‌گیر و پس از دستگیری تحویل مراجع قضائی شد.

پدر امیرعلی کوچولو ماجرای قتل را شرح داد

مردی که هشت‌ماه قبل به اتهام قتل نوزاد سه‌ماهه‌اش در بازداشت به سر می‌برد از قضات دادگاه درخواست گذشت کرد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و هشتم خردادماه امسال، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک نوزاد سه ماهه‌ای به نام امیرعلی در بیمارستان رسول اکرم باخبر و راهی محل شدند. مادر طفل که در محل حاضر بود به مأموران گفت: «چند روز قبل برای خرید نان، بچه را به شوهرم سپردم و از خانه بیرون رفتم، اما وقتی برگشتم دیدم شوهرم هراسان جلوی در آمد و گفت امیرعلی نفس نمی‌کشد! وقتی بچه را دیدم صورتش کبود بود. دست و پایم را گم کرده بودم و بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم.» او در حالیکه به شدت گریه می‌کرد، گفت: «وقتی امیرعلی را به بیمارستان رساندیم تا ۱۲ شب بالای تختش بیدار ماندم و مراقبت کردم، اما تلاش من و پزشکان بی‌فایده بود و بچه‌ام فوت کرد.»

با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد کودک سه‌ماهه بر اثر اصابت جسم سخت به سرش فوت کرده است به این ترتیب پدر ۲۹ ساله نوزاد به نام رضا تحت بازجویی قرار گرفت، اما جرمش را انکار کرد و گفت آن روز ضربه‌ای به سر و صورت بچه نزده و فقط چند بار صورت بچه را شسته است. چند روز گذشت تا اینکه رضا در مراحل بعدی بازجویی با توجه به گواهی شاهدان و مدارک موجود بالاخره لب به اعتراف گشود و گفت: «به خاطر مشکلات مالی و درگیری‌های خانوادگی کنترلم را از دست دادم و بچه‌ام را به خاطر گریه‌های بی‌امانش به شدت کتک زدم.» با اقرارهای متهم کیفرخواست علیه وی صادر و رضا به اتهام قتل عمد روانه زندان شد. با کامل شدن تحقیقات و پرونده صبح دیروز برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی واعظی فرستاده شد. ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت کرد و در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «در مغازه نان فانتزی کار می‌کردم و درآمد متوسطی داشتم. دو سال بعد از ازدواج صاحب فرزند شدیم به همین خاطر درآمدم برای هزینه‌های زندگی خیلی کم بود. این مشکلات باعث شد تا با همسرم اختلاف پیدا کنم. از طرفی همسرم معلول بود و خودم نیز به خاطر مشکلات روانی تحت درمان بودم. وقتی اختلافات من و همسرم زیاد شد خانواده‌ام اصرار داشتند همسرم را طلاق بدهم اما قبول نکردم.»

متهم در خصوص روز حادثه گفت: «شب قبل از حادثه وقتی از سر کار به خانه آمدم بار دیگر با همسرم درگیر شدم به همین دلیل صبح آن روز سر کار نرفتم و وقتی خواب بودم همسرم، امیرعلی را به من سپرد تا برود نان بخرد. دقایقی گذشت تا اینکه امیرعلی بیدار شد و گریه کرد. نمی‌توانستم او را آرام کنم و به خاطر درگیری‌های شب قبل کنترل اعصابم را از دست دادم و چند سیلی به صورت و چند ضربه با مشت به سر او کوبیدم تا ساکت شود.» متهم در حالیکه سرش را پایین انداخته بود، گفت: «از کاری که کردم پشیمانم و عذاب وجدان دارم. باور کنید به خاطر مشکلات زندگی برایم سخت شده بود و از طرفی درگیری‌های با همسرم و اصرار و دخالت‌های خانواده‌ام برای جدایی از همسرم مرا کلافه کرده بود. همه اینها باعث شد آن روز از شدت عصبانیت بچه‌ام را از دست بدهم.» متهم در آخر گفت: «وقتی در بازداشت بودم خانواده‌ام دست بردار نبودند و می‌خواستند از همسرم جدا شوم. آنها گفتند حاضرند پیگیر پرونده‌ام باشند و برای آزادی‌ام سند بیاورند، اما قبول نکردم. حالا از قضات دادگاه تقاضای بخشش دارم تا هرچه زودتر آزاد شوم و بتوانم به زندگی‌ام سر و سامانی بدهم و گذشته را برای همسرم جبران کنم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

مرگ مشکوک پسر جوان

پسر جوانی که همراه مادرش در یکی از محله‌های جنوبی تهران زندگی می‌کرد به طرز مرموزی در خانه‌شان به کام مرگ رفت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۳:۲۰ شامگاه دوشنبه نهم بهمن‌ماه، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک پسر جوانی در خانه‌ای حوالی جنوب تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان راهی محل حادثه شد. تیم جنایی در یکی از اتاق‌های آپارتمان مسکونی با جسد حلق‌آویز پسر ۱۸ ساله‌ای روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت لحظاتی قبل به زندگی‌اش پایان داده است. بررسی‌ها نشان داد مادر پسر فوت شده معتاد به مواد مخدر است و به همین دلیل پدر خانواده مدتی است آنها را رها کرده است. مادر پسر فوت شده گفت: من و پسرم با هم زندگی می‌کنیم. امروز بیرون از خانه بودم تا اینکه دقایقی قبل به خانه‌ام آمدم و با این صحنه هولناک روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس خبر دادم.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس آغاز شد.

درگذشت سنگین وزن‌ترین مرد خوزستان

سنگین وزن‌ترین مرد خوزستانی و مهمان برنامه ماه عسل روز گذشته فوت شد.

موسی شریفی، ۵۶ ساله که ۳۵۰ کیلوگرم وزن داشت صبح روز گذشته به علت بیماری فوت شد.

لقمه گلوگیر جان زن را گرفت

زن جوان وقتی در حال خوردن صبحانه بود غذا در گلویش گیر کرد و به کام مرگ رفت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹:۵۰ صبح روز دوشنبه ۹ بهمن‌ماه مأموران کلانتری ۱۳۸ جنت‌آباد از مرگ مشکوک زن جوانی در یکی از بیمارستان‌های غرب تهران با خبر و راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان با جسد زن ۲۵ ساله‌ای به نام رؤیا روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت بر اثر گیر کردن غذا در گلویش به کام مرگ رفته است. یکی از اعضای خانواده زن فوت شده گفت: همه در حل خوردن صبحانه بودیم که ناگهان غذا در گلوی رؤیا گیر کرد. او گلویش را گرفته بود و نمی‌توانست نفس بکشد. هر چقدر تلاش کردیم مجاری تنفسی او را باز کنیم موفق نشدیم و وقتی او را به بیمارستان رساندیم متأسفانه فوت کرد. با اعلام این حادثه بازپرس ویژه قتل دستور داد جسد زن جوان برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود.

گرگ‌های گرسنه گله را تلف کردند

گرگ‌های گرسنه با حمله به یک دامداری در شهرستان شوقان در استان خراسان جنوبی ۲۴ رأس گوسفند را تلف کردند.

صبح روز گذشته مرد چوپان وقتی برای سرکشی به گوسفندانش وارد دامداری شد متوجه شد که گرگ‌های گرسنه با حمله به دامداری ۲۴ رأس گوسفند را دریده و شش رأس گوسفند را هم مجروح کرده و گریخته‌اند.

متهم: مقتول قصد میانجیگری داشت

پسر جوانی که در جریان درگیری مرتکب قتل پدر دوستش شده بود، روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و یکم بهمن‌ماه سال ۹۵، مأموران پلیس از قتل مرد میانسالی در یکی از خیابان‌های نازی‌آباد باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مرد ۶۰ ساله‌ای به نام علی بود که به قصد میانجیگری در جریان درگیری دو مرد جوان با ضربه چاقو به سینه‌اش کشته شده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی -کیوان- پسر مقتول که در محل حاضر بود به مأموران گفت: «ساعتی قبل من و دوستم مهرداد به خاطر اختلافی که از قبل با هم داشتیم درگیر شدیم و در آن درگیری پدرم وارد درگیری شد تا ما را از هم جدا کند. حین درگیری بود که مهرداد با چاقو به سینه او زد و فرار کرد.»

با این توضیحات عامل قتل مهرداد ۲۸ ساله بازداشت شد. او در همان مراحل اولیه با اقرار به قتل مرد میانسال روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم صبح روز گذشته از زندان اعزام شد و در همان شعبه به ریاست قاضی زالی پای میز محاکمه قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند، سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: «در یک پیک موتوری کار می‌کردم و درآمد متوسطی داشتم. از طرفی به خاطر فوت پدرم کمک خرج خانواده بودم به همین دلیل شرایط ازدواج نداشتم.» متهم در ادامه گفت: «من و کیوان مدت‌ها بود همدیگر را می‌شناختیم و با هم دوست بودیم. در این مدت کیوان وقتی فهمید شرایط ازدواج ندارم، پیشنهاد داد با زن جوانی آشنا شوم. با آن زن تماس گرفتم و روزی را معین کردم تا به خانه‌مان بیاید. روز قرار وقتی زن جوان به دیدنم آمد رفتار عجیبی داشت و فهمیدم خیلی علاقه ندارد که با هم رابطه داشته باشیم. به همین خاطر با رفتن زن جوان تصمیم گرفتم به خانه کیوان بروم و قضیه را برایش تعریف کنم.» متهم در خصوص روز حادثه گفت: «آن روز وقتی کیوان از ماجرا باخبر شد گلایه کرد و گفت با این کار آبرویش را برده‌ام. آنجا بود که معترض شدم و خواستم طرفدار من باشد. همین موضوع بهانه درگیری شد. آن روز به خاطر خوردن مشروب در حال خودم نبودم که پدر کیوان از راه رسید و خواست مرا آرام کند. قبول کردم اما کیوان دست بردار نشد. از طرفی به خاطر شغلی که داشتم همیشه چاقو همراهم بود به همین دلیل مجبور شدم دست به چاقو شوم که نفهمیدم چطور چاقو به سینه مقتول خورد و او روی زمین افتاد.» مهرداد در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید قصد درگیری و قتل نداشتم. از آنجائیکه انتظار آن حرف‌ها و رفتارها را از کیوان نداشتم عصبانی شدم و ناخواسته دست به چاقو شدم. حالا از اولیای‌دم می‌خواهم مرا ببخشند چون نان‌آور خانواده‌ام و از وقتی به زندان افتاده‌ام مادرم و خواهرانم به سختی افتاده‌اند.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.